

معرفی کتاب

کتابهای جدید علوم اجتماعی به زبان فارسی

پویا کوهستانی

○ انسان‌شناسی عمومی، دکتر اصغر عسکری خانقاه - دکتر محمد شریف کمالی، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت)، ۱۳۷۸، ۱۰+۵۷۴ صفحه.

در این کتاب که جامعترین تألیف در زمینه انسان‌شناسی به زبان فارسی است، از انسان‌شناسی، شاخه‌ها، تاریخ و رابطه آن با علوم دیگر، ژنتیک و تطور، نخستینهای معاصر، فرهنگ اولیه انسان، آغاز شهرنشینی و ظهور تمدن، مکاتب فکری در انسان‌شناسی فرهنگی، زبان و فرهنگ، نظامهای اقتصادی، خانواده و ازدواج، سازمان سیاسی و کنترل اجتماعی در جوامع انسانی، انسان‌شناسی کاربردی و آینده انسان‌شناسی و ... سخن گفته شده است.

در بخشی از پیشگفتار کتاب آمده است: «... موضوع علم انسان‌شناسی گسترده است و چنانکه در این کتاب آمده، شامل تمامی مسائلی می‌شود که در ارتباط با انسان، در گذشته و حال، مطرح بوده است. البته لازم است یادآوری شود که بسیاری از علوم به نحوی به مطالعه انسان می‌پردازند. برای مثال، بعضی از شاخه‌های علوم زیستی، چون علم تشریح و فیزیولوژی، انسان را به عنوان یک موجود زیستی مطالعه می‌کنند، علوم اجتماعی به شکل مجزای روابط انسانی توجه دارد و علوم انسانی دستاوردهای فرهنگ انسانی را مورد بررسی قرار می‌دهد. انسان‌شناسان نیز به تمام این مسائل علاقه‌مند هستند، اما سعی می‌کنند که با همه آنها در تمام زمانها و مکانها سر و کار داشته باشند. این مسائل یک زمینه بی‌همتا و گسترده به انسان‌شناسی می‌دهد تا به طبیعت انسان پردازد...»

○ فرهنگ و رفتار اجتماعی، هری. س. تری یاندریس، ترجمه نصرت فتی، نشر رسانش، ۱۳۷۸، ۴۷۰ صفحه.

اثرگذاری فرهنگ مابریکستی ما و بر نحوه نگرش به رفتار اجتماعی مان، چرا زحمت مطالعه شکل‌های مختلف رفتار فرهنگی - اجتماعی را بر خود هموار می‌سازیم؟ چگونه فرهنگها را مطالعه کنیم، تحلیل فرهنگ ذهنی، برخی تفاوت‌های جالب توجه در عناصر فرهنگ ذهنی،

تفاوت‌های فرهنگی در الگوهای رفتار اجتماعی، فرهنگ و ارتباطات، تأثیرات فرهنگ بر خشونت، امدادگری، تسلط و همگون‌گردی، پرداختن به گوناگونی و روابط فرهنگی و آموزش بین فرهنگی عناوین ده‌گانه این کتاب است.

مترجم درباره اهمیت مباحث این کتاب در یادداشت خود می‌نویسد: «طی سالهای اخیر توجه خاصی به مقوله فرهنگ از سوی مسئولین و دستگاههای فرهنگی ابراز شده است. این توجه بیش از هر چیز دو جنبه خاص را دربرگرفته است، یکی فعالیتهای مربوط به بخش فرهنگ که تعریف محدودتری از فرهنگ را متصور است و دیگری فرهنگ عمومی که مفهوم وسیع‌تری از فرهنگ را دربرمی‌گیرد. جنبه اول نوع تمرکز بر مفهوم برنامه‌ریزی را به دنبال داشته است و نگاه دوم خواهان نوعی تمرکز برای شناسایی تحول‌گرایشها، باورها و رفتارهای فرهنگی است که در سطح جامعه عمومیت دارد. بر این اساس، کتابی که اکنون پیش روی خوانندگان است، جنبه دوم را مورد توجه قرار داده است. دو رویکرد تأثیر بر «روانشناسی اجتماعی» و «مطالعه تطبیقی بین فرهنگی» کتاب حاضر احتمالاً برای بسیاری از کارشناسان و جستجوگران حوزه فرهنگ (به معنای اعم) و فرهنگ عمومی (به معنای اخص) جالب توجه خواهد بود.

تحولات سریع اجتماعی، سیاسی و فرهنگی در کشور ما، به ویژه در سالهای اخیر، گسترش وسیع آموزش و ارتباطات و امکانات تغییرات سریع اجتماعی ما را با نوع تنوع و پیچیدگی - شاید منحصر به فرد - از حیث رفتارها و گرایشها رو به رو ساخته است. احتمالاً کتاب حاضر می‌تواند ما را حداقل در تحلیل نظری و دسته‌بندی تنوعات رفتاری وضعیت موجود یاری دهد...»

○ انسان‌شناسی فرهنگی، فرانک رابرت و ای ولو، ترجمه علیرضا قبادی، انتشارات دانشگاه بوعلی سینا، ۱۳۷۸، ۲۴+۲۵۰ صفحه.

این کتاب در سه بخش و هر بخش حاوی چند فصل است. از مباحث مورد نظر نویسنده این کتاب می‌توان از ویژگیهای انسان‌شناسی، به کارگیری داده‌های انسان‌شناختی - نسبت فرهنگی در مقابل قوم‌مداری، فرهنگ و جامعه، پیمایش تکامل‌گرایانه و نهادی، تقسیم کار، خویشاوندی، مسائل مربوط به کشاورزی و یکجانشینی، شکار، شبانی و کوچندگی، ویژگیهای جوامع صنعتی، نقش و پایگاه اجتماعی، سازمان اقتصادی و ... را نام برد. در انتهای برخی از فصلها یک نمونه پژوهش مردم‌نگارانه‌ای، درباره موضوع مربوط به آن فصل، آمده است.

مترجم در بخشی از مقدمه کوتاه آغاز کتاب می‌نویسد: «... کتاب حاضر از جمله کتابهای

آموزنده در زمینه انسان‌شناسی فرهنگی است که با نگرش کمتر نظری و بیشتر تجربی نگاشته شده است. اهمیت این اثر در توضیح گسترده ولی ساده مفاهیم کلیدی انسان‌شناسی فرهنگی است. وقتی نویسنده کتاب بار دیگر مفاهیم نظری را در تحقیقات تجربی به کار می‌برد به اهمیت این اثر دو چندان افزوده می‌شود. بدین ترتیب نگارنده کتاب موفق می‌شود تا گوشه‌ای از جذابیت‌های علم انسان‌شناسی را به دانشجویان و سایر علاقه‌مندان این رشته معرفی نماید. هر چند که بیشتر کارهای تجربی نویسنده در این اثر مربوط به برخی جوامع جنگل‌نشین و قبیله‌ای است اما این بدین معنی نیست که وظیفه انسان‌شناسی فقط مطالعه جوامع منزوی است. بلکه اینها تنها گوشه‌ای از نمونه‌های ممکن برای مطالعه می‌باشند.

این نکته آشکار است که با تلاش انسان‌شناسان سراسر جهان و حتی ایران با کاربردی شدن این گونه مطالعات دامنه تحقیقات به جوامع اجتماعی امروز نیز کشیده شده و از این به بعد نیز بیشتر کشیده خواهد شد. اینک امید آن می‌رود که تلاش روزافزون انسان‌شناسان به ویژه انسان‌شناسان ایرانی بتواند به تقویت پایه‌های نظری و تجربی این علم جذاب کمک نماید...»

○ ایدئولوژی و فرهنگ مدرن، جان ب. تامپسون، ترجمه مسعود اوحدی، مؤسسه فرهنگی آینده پویان، ۱۳۷۸، ۱۲+۴۱۸ صفحه.

در این کتاب از مفهوم ایدئولوژی، ایدئولوژی در جوامع مدرن، مفهوم فرهنگ، انتقال فرهنگی و ارتباط توده‌گیر، نظریه اجتماعی ارتباطات توده‌گیر و روش‌شناسی تعبیر سخن به میان آمده است.

مؤلف در این کتاب "ارزشیابی انتقادی بزرگترین آثار و آرا در باب نظریه ایدئولوژی و فرهنگ را، از مارکس و مانهایم تا هورکهایمر، آدورنر و هابرماس، مدنظر قرار دهد."

برای آشنایی با مباحث موردنظر مؤلف، سطرهایی از مقدمه کتاب را در اینجا می‌آوریم: «... علی‌رغم اهمیت فزاینده ارتباطات توده‌گیر در جهان مدرن، ماهیت و پی‌آمدهای آن از توجه بالنسبه اندکی در آثار نوشتاری نظریه اجتماعی و سیاسی برخوردار بوده است. این نادیده انگاری تا حدودی ناشی از تقسیم کار (به صورت) رشته‌ای است: نظریه پردازان اجتماعی و سیاسی، از نظر من، به اشتباه به این صحبت قناعت کرده‌اند که، مطالعه ارتباطات توده‌گیر را به متخصصین پژوهش در ارتباطات و رسانه‌ها بسپارند. نادیده‌انگاری مورد بحث، تا حدودی نیز پی‌آمد این حقیقت است که مسایلی که امروزه خاطر بسیاری از نظریه‌پردازان را به خود مشغول داشته، میراث تفکر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم است. این نوشته‌های مارکس و وبر، آثار

دورکهایم، زیمل، مانهایم و دیگران است، که از بسیاری لحاظ، برنامه مباحثات نظری معاصر را تدوین کرده است. البته، میراث این متفکران دیگر لزوماً نقطه عطفی به شمار نمی‌رود. این متفکران در مقام مفسرین دگرگونیهای اجتماعی و قیامهای سیاسی ملازم با توسعه کاپیتالیسم صنعتی، توجه ما را به گستره‌ای از پدیده‌ای اجتماعی جلب کرده، و مجموعه‌ای از مفاهیم و نظریه‌ها را که هنوز به طرق متعدد به شرایط اواخر قرن بیستم مربوط می‌شوند، مورد بحث قرار داده‌اند. اما هر جا که بینش و روشنگری هست، نابینایی، افراط در ساده‌انگاری و خوشبینی آرزومندانه نیز وجود دارد. بخشی از تکلیفی که امروزه در برابر نظریه پردازان اجتماعی و سیاسی قرار دارد، تفحص در این میراث و جستجوی تعیین و تبیین این نکته است که چه جنبه‌هایی می‌تواند و باید حفظ شود و چگونه این جنبه‌ها می‌توانند با در نظر داشتن منش در حال تغییر جوامع مدرن بازسازی شوند...»

○ مطالعات فرهنگی، ویراسته سایمن دورینگ، ترجمه حمیرا مشیرزاده، مؤسسه فرهنگی آینده پویان، ۱۳۷۸، ۸+۵۱۲ صفحه.

این کتاب مجموعه مقالاتی به قلم تئودور آدورنو و ماکس هورکهایمر، رولان بارت، جیمز کلیفورد، ترزا دلوریتس، استوارت هال، میشل والاس، ادوارد سویا، میشل فوکو، ژان فرانسوا لیوتار، کورنل وست، ریچارد دایر، ریموند ویلیامز، ویل استرا، جانیس رادوی و ... است؛ با عناوین نظریه روش، فضا و زمان، ملت، قومیت و تعدد فرهنگها، کارناوال و آرمانشهر، مصرف و بازار اوقات فراغت و رسانه‌ها.

در مقدمه ویراستار کتاب می‌خوانیم: «این کتاب مجموعه‌ای از مقالات منتخب در زمینه مطالعات فرهنگی و مقدمه‌ای است بر این حوزه مطالعاتی که روز به روز با استقبال بیشتری رو به رو می‌شود. اما پس از مطالعه مقالات روشن خواهد شد که مطالعات فرهنگی به معنای دقیق اصطلاح، یک رشته علمی نیست، روش‌شناسی تعریف شده‌ای ندارد، و حوزه‌های مطالعاتی آن نیز روشن و مشخص نیستند. البته مطالعات فرهنگی، مطالعه فرهنگ، یا به طور خاص، مطالعه فرهنگ معاصر است؛ اما این تعریف نیز چندان راهگشا نیست، حتی با فرض اینکه ما دقیقاً می‌دانیم «فرهنگ معاصر» چیست، به شیوه‌های مختلفی می‌توان آن را تحلیل کرد - به عنوان نمونه، به شیوه جامعه‌شناختی با توصیف «عینی» نهادها و کار ویژه‌های آن (چنانکه گویی این نهادها و کار ویژه‌ها به یک نظام بزرگ و منظم تعلق دارند)؛ یا به شیوه اقتصادی با توصیف آثار سرمایه‌گذاری و بازاریابی بر تولید فرهنگی. روش سنتی‌تر، مطالعه «نقادانه» آن با عطف توجه به

صورت‌های بزرگ (مانند ادبیات) یا تصاویر ذهنی یا متون خاص است ...»
به هر حال، نحوه نگرش نویسندگان درمباحث مطرح شده در این کتاب برای طرح مسائل فرهنگی ما نیز دارای اهمیت است.